

روستای چقازرد

روستای «چقازرد» در 24 کیلومتری کرمانشاه بر سر راه «اسلام آباد» و یک کیلومتر و نیمی آبادی «کلیائی»، در دشت فراخ «ماهیدشت» قرار دارد. از دهکده چقازرد، سرتاسر دشت، تا بن «کوه سفید» دیده می شود، بهار هنگام، مزارع مانند وصله هائیسست که بر قبای پهناور ماهیدشت دوخته شده باشد. زمستان اجاق خانه های آبادی همیشه روشن است و دشت سرد و ساکت مدتها زیر برف و باران می خوابد و کفش روستائی تا نفس سبز فروردین در آستانه در می ماند و تابستان آفتاب بر این منطقه کردنشین با سخاوت می تابد. چنانکه مرد روستائی اواخر خرداد، گندمزار را درو کند. روستای چقازرد 91 خانوار دارد که تعدادی خانوارش «خوش نشین» اند. خوش نشین ها مانند دیگر مردم روستا رغبتی به گله و زمین و زراعت ندارند و به کار و پیشه در مکانهای دیگر می پردازند. هر جا که سرو صدای کاری باشد، زن و فرزند را به جا می گذارند و خود راهی آنجا می شوند تا پول نان سفره زمستان را فراهم کنند. رویهم رفته جمعیت آبادی به 376 نفر می رسد که به «لُکُ» و «لُرُ» و «کَلُهری» تقسیم می شوند. لکها نزدیک به یک قرن و نیم پیش، پدرانشان از «طرهان» لرستان کوچ کرده و به این سرزمین آمده اند و با گذشت ایام و معاشرت و همسایگی با شهر و مردم کرمانشاه و آبادیهای پیرامون آن، زبان لکی را به تدریج فراموش کرده و زبان کردی کرمانشاهی را آموخته اند. لرها نیز که پیشتر از لکها به چقازرد آمده اند و روشن نیست که از پیشه وران نیاونداند یا خرم آباد. کلرها بیش از دیگران اند و تعدادشان بیشتر است و از «گیلان غرب» به دنبال رمه پیش آمده و به این آبادی رسیده اند. کار مردم

روستای چقازرد کشاورزی و دامداری است . کاشت چغندر و کاشت صیفی جاتی مانند خربزه و هندوانه از کارهای کشاورزان این روستاست ، معمولا گندم و جو را دیمی کشت می کنند . بعد از آسیاب گندمها و آرد کردن آن . هر روز زن خانه ، نام مصرفی خانواده را از این آرد درست می کند . هر روز گله بزها و گوسفندان و گله ای از گاوها برای چرا کردن به اطراف روستا برده می شوند و پایان غروب بعد از خوردن علف و چرا کردن به روستا بر می گردانند و مانند تسبیح پاره ای در میان خانه های روستا از هم می برد و پخش می شود . هرخانه چند بز و گوسفند به آغل می برد تا کاسه شیر و دوغ و پنیر سفره شان را فراهم کند . شیر گله را زنها می دوشند . چنان به مهربانی از پستان دام شیر می گیرند که حیوان تا وقتی که انگشتهای شیر دوش از نوازش باز ماند ، آرام می ایستد . پاییز که گله از چرا محروم شد ، به آغل می رود و شش ماه (پاییز و زمستان) در آن می ماند و شیرش کم و ناچیز می شود . در این وقتها زنها به وام دادن و وام گرفتن شیر (شیرواره) می افتند . خانواده ها برای شیر قرض دادن به یکدیگر اندازه ای دارند که آن را «لَل» (وسيله اندازه گیری شیر ساخته شده از چوب به درازای ده تا پانزده متر) می نامند و از درخت می چینند . لَل را با دقت و وسواس در شیر کاسه فرو می کنند و شیر را کم و زیاد می نمایند تا این که سطحش به گره یا نشانه ای از لَل برسد . در وقت بازگرفتن شیر، باز با همان کاسه و لَل خود، آن را باز می ستانند . زنها در هنگام «شیرواره» آن دست دلبازی روستائیان خود را از یاد می برند . اهل روستای چقازرد روزگاری که دل و دماغی دارند و سفره شان کره و دوغی و اجاق شان آتش پی گیری دارد بیشتر شبها هرچند خانوار با کودکان خود گرد چراغ خانه ای، شبپائی می کنند و نقل مجلسشان «چُوج» (چیستان) و قصه های شیرین محلی است . همچنین بزرگان روستا (مردان) در خانه ای جمع می شوند و در آنجا به شاهنامه خانی می پردازند که البته به زبان کردی آن را

می خوانند . روستای چقازرد دارای طرح هادی است که فقط یه فاز آن اجرا شده و به صورت ناتمام باقی مانده . دهیار این روستا آقای پیری است . این روستا مردمانی مردم دار و مهمان نواز دارد . یکی از اقدامات بسیار خوب دهیاری روستای چقازرد ، احداث پارک بازی و فضایی برای استفاده از وسایل ورزشی برای بزرگسالان روستاست . با استفاده از زمینی و اختصاص دادن زمین به پارک بازی زمینه ای ایجاد شده تا بچه های روستا هم در دنیای کودکانه اشان ، دقایقی شاد داشته باشند .

